

جنبش جنگل در پرتو کشمکش قدرت‌های بزرگ

عباس پناهی*

امیر مهرنیا**

چکیده

جنبش جنگل در دهه‌های نخست سده بیستم و هم‌زمان با شروع جنگ جهانی اول در گیلان به وقوع پیوست. با توجه به شرایط بحرانی جهان، روسیه، انگلستان، آلمان و عثمانی سعی داشتند از جنبش جنگل برای کامیابی‌های سیاسی خود سود جویند. شکل‌گیری انقلاب بلشویکی در روسیه و طرح انترناسیونالیسم جهانی و همچنین گرایش برخی از رهبران جنبش جنگل به بلشویزم، وحشت انگلیسی‌ها را برانگیخت و این موضوع موجب دخالت آنها در مسائل مربوط به جنبش گشت. از سوی دیگر، سایر دولت‌های درگیر جنگ نظیر آلمان و عثمانی به طور غیرمستقیم از جنبش حمایت می‌کردند. کشمکش دولت‌های بزرگ بر سر جنبش جنگل، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی شمال ایران و اهمیت منطقه قفقاز برای نیروهای درگیر در جنگ بود. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که هدف

* عضو هیات علمی گروه تاریخ گیلان شناسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

(نویسنده مسئول: apanahi@guilan.ac.ir)

** کارشناس ارشد ایران‌شناسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۲۰

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره اول، شماره بیست و چهارم، صص ۲۳۶-۲۱۵

واقعی برخی کشورها از این کشمکش‌ها، در فشار قرار دادن دولت تازه‌تاسیس شوروی و برخی دیگر درگیرنمودن رقیب سیاسی خود در شمال ایران و دستیابی به منافع‌شان در ایران بود. برآیند این سیاست‌ها موجب ناکامی جنبش جنگل گشت. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش مبتنی بر آن است که دولت‌های بزرگ چه نگرش‌ها و اهدافی را در برابر جنبش جنگل دنبال می‌کردند؟ فرضیه مقاله معطوف به آن است که جنبش جنگل به دلیل هم‌زمانی وقوع آن با جنگ جهانی اول و واقع‌شدن در همسایگی قفقاز، مورد توجه ویژه دولت‌های بزرگ قرار گرفت و این مساله موجب شد تا آینده جنبش جنگل در کشمکش دولت‌های بزرگ تحت تاثیر اهداف سیاسی آن دولت‌ها قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: جنبش جنگل، شوروی، انگلستان، عثمانی، آلمان.

از آغاز سده نوزدهم میلادی، کشورهای بزرگ اروپایی همواره برای ایران به دلیل موقعیت ویژه ژئوپلیتیک آن اهمیت زیادی قائل بودند. این مساله موجب اتخاذ سیاست‌های ویژه درباره ایران از سوی آنان گشت و در طول سده نوزدهم موجب رقابت شدید روسیه و انگلستان بر سر ایران گشت. روسیه و انگلستان تا پیش از سده بیستم در مورد ایران به این توافق رسیدند که مناطق شمال، شمال شرق و غربی ایران تحت نفوذ روسیه و بخش‌های جنوبی در قلمرو نفوذ انگلستان باشد، اما وقوع انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ خورشیدی/۱۹۰۶م. در ایران و همچنین ایجاد تغییرات سیاسی در روسیه، موجب کشیده شدن پای انگلستان و دیگر مدعیان قدرت اروپایی به ایران به ویژه گیلان شد. رهبران مشروطه گیلانی با وجود نقش مهمی که در پیروزی مرحله دوم انقلاب مشروطه داشتند، از سیاست‌های دولت مرکزی و همچنین دخالت‌های روسیه و انگلستان در امور ایران ناخرسند بودند و در نتیجه جنبش جنگل را در گیلان به وجود آوردند. با وجود اعتقاد راسخی که سران جنبش برای نیل به اهداف آزادی خواهی دنبال می‌کردند، اما وقوع حوادث سرنوشت‌سازی نظیر جنگ جهانی اول و انقلاب بلشویکی در روسیه، تأثیر زیادی بر فرایندهای سیاسی، نظامی و فکری جنبش جنگل گذاشت. از این رو کشمکش دولت‌های بزرگ بر سر ایران از بدو شکل‌گیری جنبش جنگل تا فروغ آن، همواره تأثیر زیادی بر کامیابی‌ها و ناکامی‌های جنبش داشت.

با وجود اینکه دولت ایران بیطرفی خود را در جنگ بین‌الملل اول در ۹ آبان ۱۲۹۳ خورشیدی اعلام کرد، اما از نظر دیپلماسی دولت‌های بزرگ، این رویکرد دولت ایران مانع از دست‌اندازی کشورهای درگیر در جنگ به مرزهایش نشد؛ در نتیجه ایران بلافاصله مورد تهاجم روسیه، عثمانی و انگلستان قرار گرفت. هریک از این کشورها می‌کوشیدند تا با افزایش نفوذ خود در ایران، کفه معادلات سیاسی و نظامی را به سود خویش سنگین نمایند.

قرار گرفتن شمال ایران در محدوده نفوذ روس‌ها طبق قرارداد ۱۹۰۷، اهمیت یافتن نفت ایران در معادلات اقتصادی، سیاسی و نظامی انگلستان، مساله هندوستان، نزدیکی اعتقادی ترک‌ها با ایرانیان، توسعه روابط ایران با قدرت نوظهور آلمان، وقوع انقلاب کمونیستی در روسیه و تأثیر آن بر روابط این کشور با انگلستان و ایران از جمله نکات حائز اهمیت در این برهه از زمان بود که موجب پیچیده شدن شرایط جنگلی‌ها در مواجهه با قدرت‌های بزرگ شد. با آنکه همزمان با جنبش جنگل، در ایران قیام‌های سیاسی و نظامی دیگری نیز در جریان بود، اما به جهت اینکه جنگلی‌ها از نظر جغرافیایی در منطقه استراتژیک کریدور شمال به جنوب قیام نمودند و همزمان با این واقعه، انقلاب بلشویکی نیز به پیروزی رسید، این مساله موجب کشمکش پیچیده دولت‌های بزرگ در رویارویی با جنبش گشت. با توجه به این موضوع، متغیرهای اصلی پژوهش را می‌توان «جنبش جنگل»، «روسیه» و «انگلستان» برشمرد و «انقلاب بلشویکی»، «جنگ جهانی اول» و «مساله نفوذ عثمانی و آلمان» متغیرهای وابسته را می‌توان متغیرهای وابسته مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. با توجه به موضوع پژوهش این پرسش مطرح می‌شود که کشمکش دولت‌های بزرگ و درگیر در جنگ جهانی اول چه تأثیری بر تحولات فکری، سیاسی و نظامی جنبش جنگل داشته است؟ با توجه به پرسش فوق می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که سیاست‌های دولت‌های روسیه و انگلستان در برابر جنبش جنگل تابع تحولات پیچیده نظامی-سیاسی همزمان با جنگ جهانی اول بود. روسیه و انگلستان تا پیش از انقلاب بلشویکی، سیاست‌های مشترکی را در برابر جنبش اتخاذ می‌کردند، اما پس از انقلاب بلشویکی هر چند انقلابیون نخست با جنگلی‌ها همراهی نمودند، با این حال در نهایت با سیاست‌های انگلیسی‌ها در برابر جنبش جنگلی همراه شدند؛ زیرا هدف انگلیسی‌ها حفظ موقعیت هندوستان و منابع استراتژیکی جنوب ایران و عدم دستیابی روسیه و دولت‌های دیگر در این مناطق بود. روش پژوهش در مقاله حاضر با رویکرد روش تاریخی و به شیوه مطالعه تحلیلی - تبیینی انجام می‌پذیرد. داده‌های مقاله بر اساس متغیرهای مقاله با استناد به منابع تاریخی، کتابخانه‌ای و آرشیوی جمع‌آوری، سپس نگارندگان به تحلیل و استنتاج داده‌های پژوهش می‌پردازند. هدف از انجام پژوهش تجزیه و تحلیل نقش و کارکرد دولت‌های روسیه، انگلستان، آلمان و عثمانی در جنبش جنگل و همچنین تأثیر آنان بر فراز و فرودهای جنبش است.

در ارتباط با جنبش جنگل و سیاست کشورهای خارجی در برابر آن، مآخذ تاریخی معاصر به دلیل اهمیت موضوع به بحث درباره این رویداد تاریخی پرداخته‌اند. در خاطرات رهبران جنبش جنگل و همچنین شخصیت‌های خارجی درگیر در این جنبش، این شخصیت‌ها به موضوع کشمکش دولت خارجی در برابر جنبش جنگل مطالبی گزارش کرده‌اند. مهمترین اثر پژوهشی که به نقش شوروی در جنبش جنگل اشاره دارد، کتاب «میلاد زخم» خسرو شاکری (۱۳۸۶) و همچنین گنیتس (۱۳۸۵) است. همچنین مورخ‌الدوله سپهر (۱۳۶۲) نیز اشاره‌های پراکنده‌ای درباره نقش آلمان در جنبش ارائه می‌دهد. درباره انگلیسی‌ها و نقش آنان، نخست خاطرات دنسترویل (۱۳۵۷) و همچنین مجموعه اسناد میرزا صالح (۱۳۶۹)، آگاهی‌های ارزشمندی ارائه می‌دهند. درباره نقش عثمانی نیز اسناد منتشر شده فتح‌اله کشاورز (۱۳۷۱) مجموعه ارزشمندی است.^۱ با وجود تنوع منابع درباره مساله سیاست خارجی جنبش جنگل، تاکنون بحثی تحلیلی - تطبیقی درباره نقش کشورهای بزرگ در فرایندهای سیاسی جنبش جنگل و تاثیر سیاست‌های این کشورها بر تحولات آن، مورد مطالعه جدی قرار نگرفته است. نگارندگان تلاش دارند تا با رویکردی تبیینی به تحلیل نقش دولت‌های بزرگ بر تحولات هفت‌ساله آن بپردازند.

۱. تاثیر دیپلماسی روسیه بر جنبش جنگل

گیلان در سیاست خارجی روسیه، به عنوان پلی جهت دستیابی به اهداف سیاسی در ایران، هند و خاورمیانه به شمار می‌رفت. این نظریه پس از بسته شدن مسیر دریایی مدیترانه پس از جنگ‌های کریمه بر روی ناوگان جنگی روسیه، طرفداران بیشتر در دستگاه دیپلماسی روسیه به دست آورد. آنان برای دستیابی بر این هدف بخش زیادی از توان سیاسی و دیپلماسی خود را جهت کنترل انگلیسی‌ها در ایران، در این منطقه متمرکز نمودند و پس از سازش با انگلیسی‌ها دایره نفوذ خود را بر بخش‌های زیادی از فلات ایران گسترش دادند. سیاست گسترش منافع استعماری روسیه همواره در تضاد با آراء و افکار آزادی‌خواهان ایرانی بود. در نتیجه روس‌ها برای پیش برد اهداف سیاسی خود با خشونت گسترده به حذف مبارزان سیاسی ایرانی پرداختند. این اقدامات روس‌ها نقش موثری در خیزش‌های سیاسی و بدبینی سیاسی

۱. درباره مآخذشناسی جنبش جنگل ن. ک به عباس پناهی (۱۳۹۵)، «مآخذشناسی تحلیلی جنبش جنگل»، رشت، انتشارات دانشگاه گیلان. کتاب حاضر کم و بیش تمامی پژوهش‌هایی که از ۱۳۰۴ تا ۱۳۹۵ درباره جنبش جنگل صورت گرفته است را مورد بررسی محتوایی قرار داده است.

روشنفکران و رجال سیاسی در گرماگرم جنگ جهانی اول علیه آنان داشت.

روسیه با مشارکت در جنگ جهانی اول و شرکت در یک سوی ائتلاف، به دنبال افزایش نفوذ در ایران و عثمانی بود

(تروتسکی ج ۱، ۱۳۶۰: ۴۶-۴۵؛ دولاندلن ج ۲، ۱۳۹۰: ۱۲۱؛ لنزوسکی، ۱۳۵۶: ۲۱-۲۰).
اما این سیاست با شکل‌گیری جنبش جنگل لااقل در بخش‌های شمالی ایران نقش بر آب شد؛ زیرا جنگلی‌ها مدت‌ها توانستند روس‌ها را در جنگل‌های گیلان به خود مشغول نمایند و مانع از ادامه پیش‌روی گسترده آنان در مناطق مرکزی شوند. هرچند روس‌ها از جبهه آذربایجان برای مقابله با عثمانی‌ها به کرمانشاه دست یافتند، اما کامیابی‌های آنان در گیلان اندک بود.

روس‌ها تا انقلاب فوریه ۱۹۱۷ یعنی در دوره تزاری با روش فیزیکی و سرکوب جنبش، سعی در قطع ارتباط آلمانی‌ها و عثمانی‌ها با جنبش داشتند؛ زیرا جنبش جنگل علاوه بر به خطر انداختن منافع داخلی ایران از دید آنان، موجب بازشدن پای مخالفان خارجی روسیه یعنی آلمان و عثمانی در گیلان می‌شد. در حالی که ماهیت جنبش اساساً تحت تاثیر اوضاع داخلی ایران شکل گرفته بود، اما تداوم جنبش جنگل موجب مشغول شدن بخشی از نیروهای نظامی روس و تداوم ناکامی آنان در شرق اروپا می‌گشت. بازتاب سیاست انقلابیون جدید روسیه در روزنامه جنگل نشان‌دهنده تجزیه و تحلیل جنگلی‌ها از اوضاع سیاسی جهانی بود. در نخستین شماره روزنامه جنگل از عقب‌نشینی قوای روسیه و وعده‌های انقلابیون این کشور سخن به میان آمده است. در این شماره، جنگلی‌ها از تمام دول متجاوز خواستند تا ایران را ترک نمایند و به آنان اجازه انجام اصلاحات در کشور را بدهند. همچنین به رهبران انقلابی و مسئولان روس گوش‌زد کردند تا به مواعید خود عمل کنند (نعمت‌یلیمائی، ۱۳۸۹: ۱۲ - ۶). اما پرنس لووف رئیس حکومت موقت بر خلاف انتظار، سیاست‌های گذشته روسیه را پیگیری نمود و تمام معاهدات روسیه با دولت‌های جهان را همچنان معتبر خواند و بر حضور روسیه در جنگ تأکید کرد (دولاندلن، ۱۳۸۹: ۳۷۷). این سیاست تا حدودی از سوی کرنسکی نیز ادامه یافت.

اوضاع انقلاب روسیه هنوز متشنج بود و بر خلاف امیدواری روزهای نخستین، اعلام سیاست‌های کرنسکی مبنی بر ادامه سیاست‌های گذشته، تعهد روس‌ها به متفقین و اعزام نیروهای روسی به ایران سبب کندی روابط شد (شاگری، ۱۳۸۶: ۹۲-۹۳). جنبش جنگل

ادعای صلح‌طلبی روس‌ها را با افزایش قوا در ایران، اقدامی مزورانه خواند و بر ادامه مبارزات خود پافشاری و در روزنامه جنگل تأکید کرد که «قول را فعل لازم است» (نعمت‌یلیمائی، ۱۳۸۹: ۷۱). بنابراین روس‌های تزاری همواره تلاش می‌کردند تا با سرکوب جنبش جنگل، از یک سو منافع تجاری خود و آن دسته از ایرانیانی که تابعیت این کشور را پذیرفته بودند، حفظ کنند. (منافعی که ریشه در معاهده ترکمانچای و قرارداد ۱۹۰۷ داشت). و از سوی دیگر با حفظ خطوط مواصلاتی از رقبای خود در جنگ جهانی اول بازمانند. انعقاد قرارداد ۱۹۱۵ و مورتوریوم و همچنین فشار بر کابینه فرمان‌فرما برای ممانعت از واگذاری امتیازات بیشتر به انگلیسی‌ها گواه این امر است. در نقطه مقابل، جنبش جنگل در طی دوره حکومت تزارها شعله قیام خود را برافروخت. آنان تا زمانی که تزارها قدرت را در گیلان در دست داشتند و صاحب‌منصبان، دست‌نشانده بودند، به مبارزه ادامه دادند.

پس از انقلاب اکتبر، بلشویک‌ها به جهت تحلیل‌های سیاسی خود شیوه دیپلماسی خود را در برابر ایران تغییر دادند و در مراحل نخستین انقلاب، آنان علاوه بر استفاده از ابزار نظامی در مناسبات خود با ایران از ابزار ایدئولوژیک نیز سود جستند. پس از وقوع انقلاب به دلیل شرایط ویژه ایران در سیاست دولت جدید، بلشویک‌ها برای مذاکره با جنگلی‌ها نماینده‌های ویژه به گیلان اعزام کردند و با میرزا کوچک‌خان درباره خروج قوای روسی مذاکراتی انجام دادند. رهبری جنبش جنگل همواره از خروج قوای روسی استقبال می‌کرد و با آنان به توافقاتی دست یافت. ژنرال باراتف فرماندهی نیروهای روسی در ایران را برعهده داشت. اما قطع ارتباط با قفقاز و نرسیدن کمک‌های مالی سبب شد تا قدرت فرماندهی او تضعیف شود و سپاهیان روس در مسیر عقب‌نشینی خود اقدام به قتل و غارت مردم ایران نمایند. (جنگلی، ۱۳۵۷: ۶۸-۶۹؛ مدنی، ۱۳۷۷: ۵۰). در چنین شرایطی، جنبش جنگل در ۳ بهمن ۱۲۹۶ از موضع قدرت، قراردادی با نمایندگان قوای روس در جمعه بازار منعقد کرد (فخرایی، ۱۳۵۷: ۱۰۰). این رویداد تأثیر زیادی بر تحولات جنبش جنگل به ویژه بازشدن فضای سیاسی و جغرافیایی گیلان برای انگلیسی‌ها گذاشت. از این زمان انگلیسی‌ها توانستند پس از یک سده، روس‌ها را از جغرافیای گیلان خارج کنند و دیگر آنها نتوانسند به راحتی وارد قلمرو ایران شوند.

انگلیسی‌ها پس از منزوی کردن جنگلی‌ها، به دلیل خالی شدن رقیب دیرین سیاسی، قرارداد ۱۹۱۹ را در ایران علنی کردند و به دنبال تبدیل ایران به یک سرزمین

یک تحت‌الحمایه بودند (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۴۳). در سطح بین‌المللی، دولت‌های متفق انگلستان نیز به مخالفت با قرارداد برخاستند، حتی قزاق‌های ایرانی مخالف قرارداد بودند (مکی، ۱۳۵۷: ۸۵)؛ زیرا در مقابل بیانیه لنین که در آن از امتیازات روسیه تزاری چشم‌پوشی شده بود و استقلال ایران را به آن باز می‌گرداند، انگلستان با انعقاد این قرارداد، همه آن امتیازات را به طور انحصاری به دست می‌آورد (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۴۳). از سوی دیگر شوروی، کمیته عدالت را که از ایرانیان مهاجر در آذربایجان تشکیل شده بود، تشویق کرد به نام ایرانی بودن از قرارداد ۱۹۱۹ اظهار نفرت کنند و اخراج انگلیسیان را بخواهند (جنگلی، ۱۳۵۷: ۱۲۸). حضور مهاجران شرقی در روسیه و ضعف نظامی حکومت‌های شرقی سبب شد در عالیترین محافل رهبری دولت شوروی، اهمیت قابل توجهی به شرق داده شود (پرسیتس، ۱۳۷۹: ۱۵-۱۶). اما جنگ‌های داخلی روسیه که به وسیله انگلستان دامن زده شده بود، سیاست‌های لنین در قبال دهقانان را با شکست مواجه ساخت.

سیاست رهبران شوروی نیز مماشات با میرزا را اقتضاء می‌کرد. ضعف پرولتاریای غرب، آمادگی ملل شرقی برای جنبش‌های رهایی بخش ملی، حضور تعداد زیادی مهاجر شرقی در روسیه و ضعف نظامی حکومت‌های شرقی، دلایلی بود که در عالی‌ترین سطوح رهبری شوروی، اهمیت قابل توجهی به شرق و ایران می‌داد (پرسیتس، ۱۳۷۹: ۱۵-۱۶). از سوی دیگر، اکثر طرفداران دولت شوروی و حزب عدالت در گیلان، شعبات و تشکیلات منظمی نداشتند. یگانه تکیه‌گاه انقلابیون، کمیته اتحاد اسلام بود. بنابراین نمایندگان ارتش سرخ قبل از حمله به انزلی با میرزا کوچک‌خان ارتباط برقرار کردند (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۲۴). در واقع روس‌ها می‌خواستند با نفوذ در جنبش رهایی‌بخش ملی جنگل، به آن جهت سوسیالیستی دهند و اهداف خود را در ایران پیگیری کنند (پرسیتس، ۱۳۷۹: ۲۵-۲۶). میرزا پیش از پذیرش ائتلاف با بلشویک‌ها، جلسه‌ای تشکیل داد و هدف اصلی آنان از آمدن به ایران را ایجاد روابط با دولت ایران بیان کرد. احسان‌الله‌خان اگرچه این احتمال را پذیرفت، اما از جنگلی‌ها خواست که این رویداد را یک فرصت برای فتح تهران تلقی کنند. میرزا از احسان‌الله خواهش کرد که درباره این مساله با تعمق بیشتری بیندیشد (منشور گرگانی، ۱۳۶۸: ۱۰۶).

پس از دو روز مذاکره افراد بلندپایه ارتش سرخ و رهبران جنبش جنگل^۱، مقرراتی

۱. راسکولنیکف فرمانده ناوگان شوروی، سرگو ارژونیکیدزه کمیسر عالی قفقاز و عضو «کمیته عدالت» باکو، میرزا کوچک‌خان، حسن‌الینانی، گانوک، سعدالله درویش، میر صالح مظفرزاده و اسماعیل جنگلی (رواسانی، ۱۳۸۴: ۱۹۲).

وضع شد که استقلال جنبش را حفظ می‌کرد. تعیین نوع حکومت پس از فتح تهران و تأسیس مجلس مبعوثان، عدم دخالت روس‌ها در امور حکومت انقلابی، ممنوعیت ورود نیروی جدید به گیلان بدون اجازه جمهوری، تأمین مخارج ارتش توسط جمهوری و دریافت سلاح در مقابل پرداخت قیمت آن، از جمله این مقررات بود. این موافقتنامه به خوبی نشان داد که میرزا هدفی جز حفظ استقلال ایران نداشت (کاتم، ۱۳۸۵: ۱۲۳) و با خاطری آزرده پیشنهاد همکاری ارتش سرخ را پذیرفته بود (گنیتس، ۱۳۸۵: ۸). این موافقتنامه نشانه آغاز دگردیسی بزرگ در افکار کوچک خان و جنگلی‌ها از مرام‌نامه اولیه‌شان و تأثیر سیاست‌های نوین جهانی بر جنگلی‌ها و آینده ایران بود.

هفت روز پس از حضور ارتش سرخ در گیلان در ۲۶ مه ۱۹۲۰ / ۵ خرداد ۱۲۹۹ تروتسکی کمیسر جنگ شوروی به راسکولنیکف دستور داد: «با اقدامات خودتان باید به انگلیسی‌ها بفهمانید که میل نداریم در کشورهای خاور بر ضد ایشان اقدام نمائیم» (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۵۲). این تغییر سیاست در پی مذاکرات کراسین در لندن و اجرای طرح موسوم به «نپ» در شوروی بود. با طرح «نپ» سرمایه‌داری در شوروی احیا شد و یک قرارداد تجاری با انگلستان منعقد گردید و عادی شدن روابط با ممالک غربی اروپایی یعنی آنها که از نظر تئوریک دشمنان آشتی‌ناپذیر شوروی بودند، آغاز شد (کولائی، ۱۳۷۶: ۲۸). با پایان قیام جنگل، روس‌ها اثبات نمودند که سیاستشان در دوره روسیه تزاری و بلشویکی در برابر ایران تغییری اساسی نیافت. روس‌ها رفتارهای سیاسی خود را بر اساس حفظ و تثبیت منافع سیاسی خود تنظیم نمودند؛ هرچند در دوره تزاری آنها از ابزارهای خشن نظامی برای تسلط بر ایران استفاده می‌کردند، اما با به قدرت رسیدن بلشویک‌ها این ابزار تبدیل به اهرم ایدئولوژیک گشت. با این وجود، بلشویک‌ها پس از اینکه به تناقضات درون‌گروهی جنگلی‌ها واقف شدند، به این نتیجه رسیدند که جنگلی‌ها قادر به عملی نمودن اهدافشان در ایران نیستند، آنها را به بهای سیاست‌های جهانی خود قربانی نمودند.

۲. تأثیر سیاست‌های انگلستان بر ناکامی جنبش جنگل

آزادخواهان ایران، روسیه و انگلستان را در اعمال سیاست‌های استعماری در برابر ایران به یک اندازه سهیم می‌دانستند. میرزا کوچک خان و جنگلی‌ها نیز چنین عقیده‌ای داشتند و این مساله نیز یکی از عوامل مهم سیاست ضدانگلیسی جنبش جنگل از تاسیس تا پایان این جنبش بود.

انگلستان، قدرت یافتن بلشویک‌ها به رهبری لنین را چالشی جدی در برابر سیاست‌های این کشور می‌دانست. به همین جهت تدابیری را برای مقابله با خطر کمونیسم طراحی نمود. در اولین گام از افسران مخالف انقلاب مانند دنیکن، کلچاک و... حمایت آشکار و نظامی کرد. در مرحله دوم، به بهانه حفظ خطوط نظامی، مناطقی را که روس‌ها از آن خارج می‌شدند به اشغال خود درآورد. در مرحله سوم تلاش کرد تا قبل از قدرت‌گیری دوباره روسیه، ایالت‌های جنوبی آن را به شکل جمهوری‌های مستقلی درآورد (مستوفی، ۱۳۷۱ ج ۳: ۱۴۶).

در نتیجه، رهبران جنبش جنگل که گمان می‌کردند با کنار رفتن روس‌ها خواهد توانست اصلاحات مورد نظر خود را در ایران به اجرا درآورند، با قدرت جهانی دیگری مواجه شدند. به همین جهت در روزنامه جنگل، حمله به انگلستان آغاز شد. روزنامه جنگل در شماره دوم با عنوان «یک دادخواهی وجدانی» به بیان سیاست‌های استعمار روسیه تزاری و انگلستان از سال ۱۳۱۸ تا ۱۳۳۵ ق. پرداخت (نعمتی لیمانی، ۱۳۸۹: ۱۵ - ۱۳) و در شماره نهم در مقاله‌ای با عنوان «مقاصد انگلیسی‌ها در جنوب» اهداف استعماری انگلستان در ایران، مانند الحاق بخشی از شرق ایران به هندوستان، نفت جنوب، تجارت دریایی خلیج فارس و تشکیل پلیس جنوب، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت (نعمتی لیمانی، ۱۳۸۹: ۶۲). به همان نسبت که تبلیغات ضدانگلیسی جنگلی‌ها بیشتر می‌شد، انگلیسی‌ها نیز با اعزام کاپیتان نوئل به قفقاز و شمال ایران بر فعالیتهای اطلاعاتی و جاسوسی خود در گیلان افزودند، اما جنگلی‌ها با آگاهی از این امر، وی را دستگیر و زندانی کردند (فخرایی، ۱۳۵۷: ۱۱۳). عبدالله مستوفی معتقد است که یکی از اهداف نوئل، فریب‌دادن میرزا کوچک خان و بند و بست با وی بود. به دنبال دستگیری کاپیتان نوئل، جنگلی‌ها «سرگرد او کشات» و «مک لارن» کنسول انگلیس در رشت را دستگیر کردند. مک لارن از مدتی پیش تلاش کرده بود تا نظر برخی از اعضای هیات اتحاد اسلام نظیر میر منصور (هدا) و عزت‌الله خان را جلب و آنان را با سیاست‌های خود هماهنگ نماید (شاکری، ۱۳۸۶: ۱۲۰). جنگلی‌ها در شماره بیست و هفتم روزنامه جنگل، دلایل دستگیری نمایندگان سیاسی و نظامی انگلستان را تشریح کردند (نعمتی لیمانی، ۱۳۸۹: ۱۸۶). انگلیسی‌ها نیز تلاش کردند جنگلی‌ها را گروهی وابسته به دولت‌های عثمانی و آلمان معرفی کنند. با افزایش تنش‌ها، انتقاد از سیاست‌های انگلستان در روزنامه جنگل، شکل رادیکال‌تری به خود گرفت و در

۱. نماینده سیاسی اتحاد اسلام در رشت. (فخرایی، ۱۳۵۷: ۱۰۰).

شماره دوازدهم، اقدامات انگلستان، تلاشی برای محو استقلال ایران خوانده شد (نعمتی، لیمائی، ۱۳۸۹: ۷۸-۷۹). این مساله یکی از اصول بنیادین جنبش جنگل بود.

انگلستان برای تحقق اهداف خود، باید ایران را به طور کامل در اختیار می‌گرفت. چنانکه لرد کرزن معتقد بود «ایران بایستی همیشه مقدرات و سرنوشت خویش را به کمک و مساعدت ما تعیین نماید» (مکی، ۱۳۵۷: ۱۱). خط مشی بریتانیا در ایران بر این قرار گرفت که کابینه‌ای وابسته بر سر کار آورد و به وسیله آن اهداف خود را محقق سازد (ماپرلی، ۱۳۶۹: ۳۲۹). اما برای استقرار چنین دولتی، زمان زیادی لازم بود. انگلیسی‌ها پیش از جنگ مسلحانه آخرین تلاش‌های خود را برای جلب نظر رهبران جنگل یعنی حاج احمد و به ویژه میرزا کوچک‌خان به عمل آورند. ژنرال استوکس و نیکیتین^۱ با پیشنهاد قبول استیلای جنگلی‌ها به شرط هماهنگی با سیاست‌های انگلستان، روانه جنگل شدند. اما پاسخ کوچک‌خان به آنان منفی بود (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۰۶-۱۰۷). به همین جهت ژنرال دنسترویل اظهار کرد که اتخاذ چنین سیاستی برای جنگل زیانبار خواهد بود (دنسترویل، ۱۳۵۷: ۱۳۴). فرماندهان انگلیسی از باقیمانده نیروهای روسی به فرماندهی بیچراخف استفاده کردند و با حمله به منجیل (۲۲ خرداد ۱۲۹۷) ضمن شکست موقت قوای جنگل، نیروهای ژنرال دنسترویل را به باکو گسیل داشتند (دنسترویل، ۱۳۵۷: ۲۲۴ و ۲۲۵). انگلیسی‌ها که برای اجرای برنامه‌های خود به فضای آرام‌تری نیاز داشتند، مجبور شدند با قوای جنگل صلح کنند. جنگلی‌ها نیز که به لحاظ تأمین مواد غذایی و تسلیحات در مضیقه بودند، پیشنهاد صلح را پذیرفتند. در قرارداد صلح هریک از طرفین سعی داشتند بر مواضع خود تأکید کنند. در بند دوم این قرارداد، انگلیسی‌ها به سران اتحاد اسلام قبولانندند که صاحب‌منصبان خارجی را اخراج کنند و در بند چهارم متعهد شدند در امور داخلی ایران دخالت نکنند (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۸۸-۱۸۶). با وجود انعقاد این قرارداد بین انگلیسی‌ها با جنگلی‌ها، به نظر می‌رسد هدف انگلیسی‌ها از این پیمان، خرید زمان به نفع خود از سوی جنگلی‌ها بود تا در فرصت مناسب بتوانند جنگلی‌ها را سرکوب نمایند. با وجود تمهیداتی که انگلیسی‌ها در جهت مهار موقتی جنگلی‌ها به کار برده بودند، ورود ارتش سرخ به گیلان و قدرت‌یابی مجدد جنگلی‌ها، معادلات انگلستان را در ایران تغییر داد. بر اساس گزارش کاردار آمریکا، افزایش گرایش به بلشویزم در ایران معلول دشمنی با

۱. منشی اول کنسولگری روسیه در زمان سرکنسول روسیه، نکراسف در رشت. (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۰۶).

انگلستان بود (شاکری، ۱۳۸۶: ۲۲۰). با سقوط کابینه وثوق الدوله در ۴ تیر ۱۲۹۹، انگلستان به اجبار از اجرای قانونی قرارداد چشم پوشید تا به شکل دیگری در صدد تحقق آن برآید؛ یعنی «ایجاد روابط مسالمت‌آمیز بین ایران و شوروی» (مستوفی، ۱۳۷۱: ۳/۱۷۱).

اعمال افراطی ارتش سرخ، چپ‌ها و اعضای حزب عدالت در گیلان این فرصت را برای انگلستان فراهم کرد. در نخستین گام، برای تحت‌تأثیر قراردادن احمد شاه، اقدام به بزرگ‌نمایی خطر بلشویزم و تظاهر به حمایت از سلطنت او کردند (رحمانیان، ۱۳۷۹: ۴۰-۳۹). تبلیغات انگلیسی‌ها مؤثر بود و احمد شاه به فکر تغییر پایتخت افتاد (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱ ج ۴: ۱۴۶). اما القای چنین تصویری به مردم کار سخت‌تری به نظر می‌رسید، زیرا پذیرش این ایده از سوی شاه و مردم دشوار به نظر می‌رسید.

حضور ژنرال دنسترویل در باکو تجربه گرانبهایی برای انگلیسی‌ها در پی داشت. به عقیده دنسترویل انقلابیون روسیه نیز به راحتی تغییر ذهنیت می‌دادند (دنسترویل، ۱۳۵۷: ۳۹۸) بنابراین انگلیسی‌ها به هنگام ورود ارتش سرخ در انزلی هیچ مقاومتی نشان ندادند و تا قزوین عقب‌نشینی کردند (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۳۵-۳۶). مخالفت احمدشاه با قرارداد ۱۹۱۹ نیز انگلستان را به تغییر سلطنت ایران متمایل ساخت. اما انگلیسی‌ها پیش از اجرای چنین نقشه‌ای نخست باید همه مخالفان خود را از بین می‌بردند. جنگل که اکنون با ارتش سرخ ائتلاف کرده بود می‌توانست به عنوان ابزاری مورد استفاده قرار گیرد. انگلیسی‌ها برای اجرای طرح‌های خود ابتدا کمیته آهن را از حامیان وثوق الدوله مانند میرزا کریم خان رشتی و سید ضیاء‌الدین طباطبایی تشکیل دادند (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱ ج ۴: ۱۵۱-۱۵۲). در کمیته آهن، دو هدف عمده پیگیری شد: نابودی جنبش جنگل و نفوذ در دستگاه دیوانی و نظامی برای اداره کشور.

کمیته آهن برای نفوذ در انقلاب جنگل، یک گروه با وجهه ملی و از متمولین گیلانی ضد میرزا کوچک‌خان پدیدآوردند تا ضمن خنثی کردن عملیات بلشویک‌ها میان رهبران انقلاب تفرقه ایجاد کنند (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۱۷۱). سردار محی با حضور در رشت عده‌ای را اطراف خود جمع کرد و نامه‌هایی را برای روسیه فرستاد تا بتواند ریاست انقلاب را در دست گیرد (گیلک، ۱۳۷۱: ۲۶۵). آنها وظیفه داشتند با ارتکاب فجایع مختلف موجبات انزجار گیلانیها را از بلشویزم فراهم کنند. البته در صورت امکان، میرزا را که نفوذناپذیر بود، ترور نمایند (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱ ج ۴: ۱۵۱-۱۵۲). انگلیسی‌ها به کمک آنها موفق شدند

بین احسان‌الله‌خان، خالو قربان، حیدر عمو اوغلی و میرزا نفاق ایجاد کنند (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۴/ ۱۵۲) در نتیجه با حضور این بلشویک مصنوعی، میرزا به این نتیجه رسید که «کار کردن با بلشویک‌ها سخت‌تر از کار کردن با انگلیسی‌هاست» (یقیان، ۱۳۶۳: ۵۰)؛ بنابراین با برداشتن پول و اسلحه به جنگل بازگشت. بلشویک‌نماهای رشت نیز با کندن قبر و حاضر کردن مردم بر بالای آن اقدام به اخاذی می‌کردند. این اقدامات سبب گردید بسیاری از مردم گیلان به تهران مهاجرت کنند. احسان‌الله‌خان همچنان تحت تأثیر سردار محی و با وعده زمیندارانی چون ساعدالدوله (گیلک، ۱۳۷۱: ۴۳۹) طی اقدامی خودسرانه برای فتح تهران اقدام کرد، اما به شکلی مفتضحانه شکست خورد (فخرایی، ۱۳۵۷: ۳۴۷-۳۴۶). ایجاد چنین شکافی در جنبش جنگل در واقع تحقق هدف اول کمیته بود، اما برای محو‌نهایی جنبش، باید رضایت روس‌ها نیز جلب می‌گردید.

پس از سقوط کابینه وثوق، مشیرالدوله، استاروسلسکی فرمانده قزاق و از مخالفان قرارداد را با دریافت درجه سرداری به جنگ فرستاد، اما قزاقان با کارشکنی انگلیسی‌ها که با حضور قزاق‌های روس مخالف بودند، شکست خوردند. انگلیسی‌ها با کشاندن قوای قزاق تا کنار مرداب انزلی، تعداد زیادی از قزاق‌های ایرانی را با توپ‌های دورزن کشتی‌های روس و بمباران به ظاهر اشتباهی خود از پا در آوردند (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱ ج ۴: ۱۵۷-۱۵۶). به این ترتیب فرصت لازم برای حذف افسران روس فراهم شد؛ زیرا آنان پی برده بودند که مبارزه با بلشویک‌ها، بهانه‌ای برای اجرای قرارداد ۱۹۱۹ است.

انگلستان با فراخواندن بخشی از نیروهای خود و قطع کمک مالی، مشیرالدوله و احمدشاه را برای اخراج استاروسلسکی و تصویب قرارداد تحت فشار قرار داد (شمیم، ۱۳۷۸: ۶۳۹) و با ایجاد نارضایتی در بین سربازان و افسران قزاق زمینه‌های کودتا را فراهم کرد. مشیرالدوله زیربار خواسته‌های انگلستان نرفت و امضاء قرارداد را به خروج نیروهای آنان از خاک ایران منوط دانست (آوری، ۱۳۸۷: ۲۶۶)؛ بنابراین کابینه‌اش در ۳ آبان ۱۲۹۹ سقوط کرد. اکنون فرصت برای انجام کودتا مهیا بود؛ اما انگلیسی‌ها با روی کارآوردن سپهدار، فردی فاقد آگاهی‌های سیاسی، اوضاع پایتخت را همچنان متشنج نگاه داشتند و در کنار تبلیغات روزنامه رعد برای بزرگ جلوه دادن سلوک نامتعارف بلشویک‌ها، افکار عمومی را برای وقوع کودتا آماده کردند. بنابراین، پس از مدتی این احساس در مردم پدیدار شد که باید مردی آشنا به دردهای آنان برخیزد و دردهایشان را التیام دهد (شمیم،

۱۳۷۸: ۶۴۱). در چنین شرایطی ژنرال انگلیسی، آبرونساید مذاکره با رضا خان فرمانده آتریاد همدان را انجام داد و با وجود آگاهی احمد شاه، در سوم اسفند با ورود قزاق‌ها به تهران به فرماندهی رضاخان و سیدضیاءالدین طباطبائی، انگلستان زمام تمامی امور ایران را در اختیار گرفت. انگلیسی‌ها برای تثبیت امور، روابط خود را در دو محور سیاسی و تجاری با شوروی آغاز کردند. زیرا دیگر تشویشی نداشتند و در مقابل اعتراضات مردم خود، می‌توانستند برای کاهش هزینه‌ها، ایران را تخلیه کنند (مستوفی، ۱۳۷۱ ج ۳: ۱۷۱). آنها برای قابل قبول کردن کودتا در نزد شوروی‌ها، بیانیه‌ای انقلابی توسط سیدضیاءالدین طباطبائی رئیس‌الوزرای کودتا که بیش از نه مقاله در حمایت از قرارداد ۱۹۱۹ به چاپ رسانده بود (مکی، ۱۳۵۷: ۱۲۶)، صادر کردند. هدف از انتشار بیانیه، عدم تشویش اذهان عمومی بود.

تنها چهار روز بعد، پیمان ایران و شوروی به امضاء رسید و رشت و انزلی از قوای روس تخلیه شد و یک ماه بعد از این اعلامیه، یعنی در ۶ فروردین ۱۳۰۰، روتشتین نخستین سفیر و نماینده سیاسی شوروی طی تشریفات و احترامات نظامی وارد تهران گردید (عاقلی، ۱۳۶۹: ۱۰۴ و ۱۰۷). از سوی دیگر، کراسین نماینده روس‌ها در لندن مشغول مذاکره با انگلیسی‌ها بود (گیلک، ۱۳۷۱: ۲۶۶). کوچک خان که درک کرده بود رهبران انقلاب شوروی فریب جریان بلشویک مصنوعی را خورده‌اند، از دوستان خود خواست مشخص کنند: «آیا مستقیماً با سویت روسیه ارتباط دارید یا خودتان مستقلاً اقدامات می‌کنید» (گیلک، ۱۳۷۱: ۴۲۳ - ۴۱۸). بی‌گمان شنیدن این سخنان از نظر بلشویک‌ها پایان کار میرزا بود. از سوی دیگر، با بهبود روابط شوروی و انگلیس باید محو جنبش جنگل، جامه عمل به خود می‌گرفت (فخرایی، ۱۳۵۷: ۳۵۳). در این زمان با سقوط کابینه سیدضیاء، انگلیسی‌ها سیاست افزایش اقتدار رضاخان را ادامه دادند (مدنی، ۱۳۶۱: -۱۰۰ ۹۹). از نامه‌های روتشتین به میرزا کوچک نیز چنین برمی‌آید که قوام در پی بسط تجارت با روسیه و در نتیجه ترغیب آنان به خروج باقیمانده نیروهایشان از ایران بود (فخرایی، ۱۳۵۷: ۳۵۸). شاید وعده‌های انگلیسی‌ها به انقلابیون آنچه‌ان فریبنده به نظر می‌رسید که تغییراتی بنیادی در اندیشه انقلابیون ایجاد کرد! و این همان سخن ژنرال کهن کار انگلیسی بود: «در روسیه انقلابیون مختلف‌اللون فراوان بودند» (دنسترویل، ۱۳۵۷: ۳۹۸). به این ترتیب انگلیسی‌ها موفق شدند سیاست خود را در ایران به طور کامل اجرا کنند. رساترین

سخن را می‌توان در آخرین نامه انشائی نماینده میرزا در گفت و گو با سیاستمداران تهران جستجو کرد: «عجب است صورتاً انگلیسی‌ها ساکتند، ولی باطناً مفهوم شد این‌ها سفارت روس را هم در دست دارند» (جنگلی، ۱۳۵۷: ۲۴۳). این جمله نشان می‌دهد که کوچک‌خان نیز به این مساله پی برد که انگلیسی‌ها با استفاده از دیپلماسی نیرومند خود توانستند بلشویک‌های تازه کار را با خود جهت سرکوب جنگلی‌ها همراه کنند.

انگلیسی‌ها از دیپلماسی قدرتمند خود سود جستند و توانستند با فریب سیاسی بلشویک‌ها آنها را از ادامه حمایت جنگلی‌ها بازدارند و پس از قطع حمایت‌های معنوی و نظامی شوروی از جنبش جنگل این جریان به جهت اختلاف‌های ایدئولوژیکی، درون‌گروهی و آشفتگی‌یی که به آن دچار شده بود، نتوانست مقاومت کند و شکست تنها فرجام آن بود.

۳. نقش عثمانی و آلمان بر تحولات جنبش جنگل

عثمانی‌ها در اواخر سده نوزدهم میلادی در اوج ضعف سیاسی و نظامی خود به سر می‌بردند. تنها عاملی که موجب می‌شد تا این کشور توسط یکی از دولت‌های اروپایی از جغرافیای سیاسی حذف نشود، نقش و موجودیت آن برای توازن قوا به ویژه به جهت ایجاد سد در برابر سیاست‌های توسعه‌طلبی روس‌ها به آب‌های آزاد بود. در نتیجه عثمانی‌ها برای رهایی از این ضعف به سراغ مبانی جدید قدرت، یعنی ایدئولوژی اتحاد اسلام که در ظاهر برای مقاومت ملت‌های مسلمان در برابر استعمارگران، اما در واقع برای حفظ موجودیتشان بود، روی آوردند.

این سیاست نخستین‌بار در اندیشه‌های سیدجمال‌الدین اسدآبادی دیده می‌شود، اما دولت عثمانی در پوشش تبلیغ اتحاد اسلام سعی می‌کرد موقعیت خود را به عنوان خلیفه جهان اسلام تثبیت کند (آوری، ۱۳۸۷: ۲۵۰). تصرف بخش‌های غربی ایران توسط عثمانی در سال‌های جنگ جهانی اول، کنش و واکنش‌های سیاسی فراوانی در ایران پدید آورد. آلمان‌ها نیز در آغاز جنگ جهانی اول تلاش کردند با تبلیغ علیه روس و انگلیس، ایران را که پس از عثمانی دومین دولت مستقل اسلامی به شمار می‌رفت، علیه متفقین وارد جنگ کنند (هوشنگ‌مه‌دوی، ۱۳۸۸: ۳۴۶). جنبش جنگل و رهبران آن از اندیشه‌های اتحاد اسلام متأثر بودند. به همین جهت طی سال‌های جنگ جهانی اول

روس‌ها و انگلیسی‌ها تلاش کردند جنبش را وابسته به متحدین نشان دهند. در شماره ۵۷۲ روزنامه «آچیق سوز» چاپ بادکوبه، مطلبی به نقل از روزنامه «روسکواسلو» منتشر شد که در آن هیأت اتحاد اسلام به عثمانی منتسب گردید. (نعمت‌یلیمائی، ۱۳۸۹: ۹۳). همچنین روزنامه روسکواسلو نوشت: «تمام این دسته‌ها از تهران با پول سفارتخانه‌های آلمان و عثمانی تشکیل می‌شوند...» (گیلک، ۱۳۷۱: ۶۱). ژنرال دنسترویل نیز در خاطرات خود ضمن مبتذل دانستن نمایش جنگل، می‌نویسد که طراحان این جریان در سفارت آلمان و عثمانی نشستند. (دنسترویل، ۱۳۵۷: ۴۱).

اما واقعیت آن است که اتحاد اسلام به منظور جلوگیری از تبلیغات منفی عثمانی علیه قاجارها شکل گرفته بود (جنگلی، ۱۳۵۷: ۱۷) و جنبش جنگل پس از شکل‌گیری به این دلیل نام هیأت اتحاد اسلام را برگزید که مفهوم آن را تنها رشته اتصال سرمایه‌دار، زمیندار، روحانی، دهقان، روشنفکر و فقیر و غنی در مبارزه با بیگانگان می‌دانست (هدایتی-خوشکلام، ۱۳۸۳: ۵۴) و با به دست آوردن یک جبهه مهم سیاسی، سبب گسترش آن می‌شد (جنگلی، ۱۳۵۷: ۶۸). از این مهم نباید غافل شد که ایرانیها با عثمانی دارای اشتراکات مذهبی بودند و نمی‌توانستند نسبت به سرنوشت یکدیگر بی‌تفاوت باشند. به ویژه آنکه اتحاد بین مسلمانان و جهاد با روس و انگلیس از فتوای علمایی چون «حائری» برخوردار بود (سپهر، ۱۳۶۲: ۱۵۹). به همین جهت روزنامه جنگل در شماره پانزدهم خود نه تنها ارتباط خود با عثمانی را کتمان نمی‌کند، بلکه می‌نویسد: «به ما نسبت می‌دهند که با دولت عثمانی متحدیم و با پول آلمان و ترک قیام کردیم! آن نگراننده محترم را در ذکر این جمله چه مقصودی است؟ اگر وحدت دیانتی ما را می‌خواهد مطرح نماید، جای انکار نیست... اما اتحاد پلیتیکی و سیاسی را اگر مقصود داشته باشد... ما مملکت خود را از تعرض دیگران محفوظ می‌خواهیم هر که به ما تجاوز کرد خصم خود می‌دانیم» (نعمت‌یلیمائی، ۱۳۸۹: ۹۹).

اتحاد اسلامی از دوران مشروطیت در اندیشه‌های میرزا رسوخ کرده بود. زمانی که برخی از اهالی رشت در کنسولگری انگلستان، متحصن شدند، میرزا کوچک خان اگرچه با آنان همراهی می‌کرد، اما وارد کنسولگری نشد (گیلک، ۱۳۷۱: ۹). اما در جریان تحصن علماء در کنسولگری عثمانی، او در شهبندری رشت، متحصن شد (فخرایی، ۱۳۵۷: ۴۰). به نظر می‌رسد کوچک خان در این مرحله از جنبش مشروطه خواهی کم و بیش از

سیاست‌های توسعه طلبانه عثمانی نسبت به ایران و یافتن جایگاهی بین انقلابیون ایرانی آگاه بود و در این مرحله حاضر به پذیرش دعوت عثمانی‌ها نشد. اما این که به چه جهت با شروع جنبش جنگل به هیأت اتحاد اسلام پیوست، این موضوع ریشه در سیاست‌های بلند مدت وی و استفاده از نیروی فکری و سیاسی عثمانی در پیروزی در جنبش دارد. با این حال انگلیسی‌ها با شروع جنگ جهانی اول به دلیل این که از تأثیر اتحاد اسلامی بر سرنوشت جنگ، بیمناک بودند به مجتهدین شیعه اخطار کردند به خصوص متفقیان دامن‌نزنند (ماهرلی، ۱۳۶۹: ۷۷). از سوی دیگر هر دو کشور ایران و عثمانی در جنگ جهانی اول، دارای دشمن مشترک بودند، بنابراین در طی جنگ خدمات متقابل به یکدیگر ارائه دادند. جنگل در رساندن سربازان فراری ترک از اسارتگاه‌های روس به سرزمین‌شان، کمک می‌کرد (کشاوری، ۱۳۷۱: ۵۵) و عثمانی‌ها نیز در تأمین سلاح به جنگل کمک کردند و یا صاحب‌منصبانی را برای تعلیم قوای جنگل در خدمت آنان قرار دادند (فخرایی، ۱۳۵۷: ۹۰-۹۱). به همین جهت روزنامه جنگل خبر فتوحات عثمانی را با دقت پیگیری و از ایرانیان می‌خواست به تبع آن، وارد مرحله عمل شده، علیه بیگانگان قیام کنند (نعمت‌یلیمائی، ۱۳۸۹: ۵۲-۵۳). نکته‌ای که می‌توانست محلّ تعارض باشد، اشغال مناطق غربی ایران توسط قوای عثمانی و سوابق توسعه‌طلبانه و ادعاهای آن کشور در مورد بخش‌هایی از غرب ایران بود (سپهر، ۱۳۶۲: ۶۰). سیاست هیأت اتحاد اسلام در این مورد چنین بود که اگر کشورهای روسیه و انگلستان خاک ایران را ترک کنند، عثمانی‌ها خاک ایران را ترک خواهند کرد و ملت ایران خود مسئول این امر خواهند بود (نعمت‌یلیمائی، ۱۳۸۹: ۸-۹). گفته جنگلی‌ها فقط در سخن نبود. بر طبق گزارش انگلیسی‌ها، هیأت اتحاد اسلام، مقید به حفظ استقلال ایران حتی در برابر عثمانی‌ها بود. یکی از این مستندات، گزارشی است که ماهرلی، افسر انگلیسی به ذکر آن پرداخت. پس از وقوع انقلاب روسیه، عثمانی‌ها توانستند دوباره در خاک ایران پیش‌روی کنند. آنها تلاش کردند آذربایجان ایران و روسیه و حتی بخش‌هایی از گیلان را تحت کنترل خود درآورند. به همین منظور نمایندگانی برای مذاکره با جنگل اعزام کردند اما جنبش جنگل با آنان مخالفت کرد. «چرا که جنگلی‌ها با دست‌اندازی ترک‌ها بر قلمرو ایران بسیار مخالف بودند» (ماهرلی، ۱۳۶۹: ۳۶۵ و ۳۷۹).

موضع جنگلی‌ها در برابر آلمان نیز بر همین اساس بود. نمایندگان هیأت اتحاد اسلام

برای تأمین اسلحه به آلمان‌ها مراجعه می‌کردند (گیلک، ۱۳۷۱: ۲۷-۲۸) یا از سربازان فراری آلمانی به عنوان صاحب‌منصب برای آموزش نیروهای خود بهره می‌بردند. چنانکه صبوری دیلمی از تعلیم‌یافتگان مدرسه نظام گورابزمخ می‌گوید: «شش نفر صاحب‌منصب بزرگ و کوچک آلمانی بر حسب درخواست میرزا کوچک خان از خاک دولت عثمانی برای معلمی وارد مدرسه نظام جنگل شدند که یک نفرشان درجه مازوری داشت. دو نفر دیگر درجه سلطانی و سایرین درجه نایبی داشتند» (صبوری دیلمی، ۱۳۵۸: ۶۱). ویلهلم رُور کنسول سابق آلمان در شیراز در خاطرات خود یادآور می‌شود که میرزا کوچک خان از او خواسته است تا رابط بین او و آلمان‌ها گردد تا بتواند از کمک‌های آنها بهره‌مند گردد (افشار، ۱۳۸۰: ۱۷۴-۱۷۵).

علاوه بر این، جنگل به سربازان آلمانی برای بازگشت به سرزمین خود، کمک‌های مالی و تدارکاتی می‌کرد. رُور یادآور می‌شود: «نهضت جنگل، اینگونه افراد را به گرمی پذیرا می‌شد و پول در اختیار آنها می‌گذاشت...» (افشار، ۱۳۸۰: ۱۷۵). هدف کوچک خان از این سیاست، رو در رو قرار دادن آلمان و انگلستان در موضوع جنگل و استفاده از دیپلماسی و کمک‌های آلمانی‌ها بود.

مورّخانی نظیر مورخ‌الدوله سپهر برای برجسته نمودن نقش آلمان در جنبش جنگل، سازمان‌دهندگان واقعی جنگل را افسران ترک و آلمانی معرفی کرده‌اند که قصد داشتند با استفاده از احساسات ملی جنگلی‌ها مانع پیشروی سریع نیروهای روسی گردند (سپهر، ۱۳۶۲: ۳۸۵). اما او در صفحات پیشین کتاب خود به این مهم اشاره می‌کند که آلمان‌ها قصد تصرف نظامی ایران را نداشتند و مایل بودند بین روسیه و انگلستان یک دولت مستقل و قدرتمند قرار گیرد. از سوی دیگر آلمانی‌ها در تبلیغات‌شان، خود را حامی تمامیت ارضی ملل کوچک معرفی می‌کردند (سپهر، ۱۳۶۲: ۲۸۲).

جنگلی‌ها نیز با آلمان‌هایی که هیچ‌گونه سوء پیشینه‌ای در روابط خود با ایران نداشتند و منفور ملت ایران نبودند، روابطی گرم و صمیمی برقرار کردند. اما این روابط به جهت دوری آلمان‌ها از میدان‌های جنگی ایران محدود بود. پس از وقوع انقلاب اکتبر آلمان‌ها در قرارداد برست لیتوفسک، ملاحظات خود پیرامون ایران را نشان دادند. از سوی دیگر با دادن تجهیزات نظامی به بلشویک‌ها به گونه‌ای غیرمستقیم بر معادلات سیاسی ایران تأثیرگذار بودند، اما این تأثیرات محدود و گذرا بود. سیاست توجه و رویکرد به آلمان

در جنبش جنگل و دوره دوم سلطنت رضاشاه فصل مشترک این دو شخصیت بود؛ زیرا هر دو سیاستمدار بر این عقیده بودند تنها دولت بزرگ اروپایی که توانایی رقابت با انگلیسی‌ها را دارد، این کشور است. هر چند هیچ‌کدامشان به اهداف خود نرسیدند.

نتیجه

سیاست کشورهای بزرگ درگیر در جنگ جهانی اول در برابر جنبش جنگل تا اندازه زیادی تحت تأثیر شرایط سیاسی و نظامی جهان بود. چهار دولت مؤثر در جریان جنبش جنگل؛ روسیه، انگلستان، آلمان و عثمانی در تمام دوره هفت ساله جنبش براساس منافع استراتژیک خود گام برداشتند. با این حال روس‌ها در دوره تزاری و پس از به قدرت رسیدن بلشویک‌ها، دو شیوه و روش متفاوت در برابر جنبش جنگل داشتند. روسیه تزاری در طول روابط یکصد ساله اش با ایران برای تامین منافع خود اغلب از ابزار نظامی بهره می‌برد، اما بلشویک‌ها جنبش جنگل را به عنوان یک فرصت ایدئولوژیک برای گسترش اهداف انقلابی می‌نگریستند. بلشویک‌ها در ماه‌های نخستین و طوفانی پیروزی خود، با توجه به محتوای انقلابی جنبش به این نتیجه رسیدند که جنبش دارای ماهیتی ضدفئودالی است، بنابراین گمان بردند از این جنبش می‌توانند برای صدور انقلاب و مقابله با انگلستان در ایران و خاورمیانه بهره‌برداری کنند. اما از یک سو شکست بلشویک‌ها در مذاکره با رهبر جنبش جنگل و مشاهده تضادهای درونی آن و از سوی دیگر سازش بلشویک‌ها با انگلستان در مسائل جهانی، جنبش جنگل را قربانی ایدئولوژی‌های آرمانی و انقلابی خود نمودند. این پشت نمودن شوروی نقش مهمی در شکست زود هنگام جنبش داشت.

با وجود سیاست‌های دوگانه بلشویک‌ها، انگلیسی‌ها سیاست روشنی در برابر جنگلی‌ها در پیش گرفتند. آنها از بدو شروع جنبش جنگل با جنگلی‌ها مخالف بودند و این نکته در خاطرات ژنرال دنسترویل و اسناد وزارت امور خارجه انگلستان به چشم می‌خورد. همچنین جنگلی‌ها نیز دشمن اصلی خود را انگلیسی‌ها می‌دانستند. با این وجود انگلیسی‌ها با نفوذ در بین رجال و وزرای ایرانی، زمینداران، قزاق‌ها و حتی فریب دیپلماتیک بلشویک‌ها سعی در مهار و سرکوب جنبش داشتند و با بهره‌گیری از این ابزارها سرانجام موفق شدند به هدف خود دست یابند.

سیاست آلمان و عثمانی نیز بر اساس منافع دیپلماتیک و اقتصادی آنها در خاورمیانه

قرار داشت. عثمانی‌ها با استفاده از هیأت اتحاد اسلام که در حقیقت نبض اصلی جنبش بود، سعی در بهره‌برداری سیاسی و نظامی از این جنبش در گیلان و قفقاز داشتند. با وجود آن، عثمانی‌ها نتوانستند منافع سیاسی و خاصی از جنبش جنگل به نفع خود کسب نمایند؛ زیرا جنبش جنگل نتوانست از گیلان پا فراتر نهد، هرچند برای مدت کوتاهی توانست توان نظامیان انگلیسی و روسی را به خود معطوف کند. از سوی دیگر ماهیت جنبش، استقلال طلبانه بود و اجازه دخالت در امور داخلی را به دولت‌های خارجی نمی‌داد. دیپلماسی آلمانی‌ها نیز در برابر جنبش جنگل همانند عثمانی بود. آنها برای درگیر نمودن روسیه و انگلستان در جبهه‌ای خارج از اروپا، به جنبش جنگل همچون متحدی استراتژیک می‌نگریستند، در نتیجه همکاری آلمان با جنبش جنگل تحت تأثیر این سیاست بود. با آنکه دولت‌های بیگانه جنبش جنگل را همچون ابزاری جهت تأمین منافع استراتژیکی خود می‌دانستند، اما جنبش جنگل همکاری ویژه‌ای با دولت‌های خارجی برقرار نکرد و تسلیم دیپلماسی آنها نگردید. *

کتابنامه

منابع فارسی

- آبراهامیان، پرواند. (۱۳۸۹). **ایران بین دو انقلاب**. ترجمه احمد گلمحمدی و محمدابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
- آوری، پیترو. (۱۳۸۷). **تاریخ ایران دوره افشار، زند، قاجار**. ترجمه مرتضی ثاقبفر. تهران: انتشارات جامی.
- افشار، ایرج. (۱۳۸۰). **برگه‌های جنگل، نامه‌های رشت و اسناد نهضت جنگل**. تهران: نشر و پژوهش فرزانه.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۹۲). **تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران: انقراض قاجاریه**. ج ۱. تهران: نشر امیرکبیر.
- پرستیس، موسی. (۱۳۷۹). **بلشویک‌ها و نهضت جنگل**. ترجمه حمید احمدی، تهران: نشر شیرازه.
- تروتسکی، لئون. (۱۳۶۰). **تاریخ انقلاب روسیه**. ج ۱. ترجمه سعید باستانی. تهران: نشر فانوس.
- جنگلی، اسماعیل. (۱۳۵۷). **قیام جنگل**. با مقدمه و کوشش اسماعیل راین. تهران: نشر جاویدان.
- دنسترویل، چارلز. (۱۳۵۷). **امپریالیسم انگلیس در ایران و قفقاز**. ترجمه حسین انصاری. تهران: کتابخانه منوچهری.
- دولاندن، شارل. (۱۳۹۰). **تاریخ جهانی**. ترجمه احمد بهمنش. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دولت‌آبادی، یحیی. (۱۳۷۱). **حیات یحیی**. ج ۳ و ۴. تهران: انتشارات عطار و فردوسی.
- رادمنش، محمد. (۱۳۸۱). **حیدرخان عمواغلی**. رشت: انتشارات حرف نو.
- رحمانیان، داریوش. (۱۳۷۹). **چالش جمهوری و سلطنت در ایران؛ زوال قاجار و روی کار آمدن رضاشاه**. تهران: نشر مرکز.
- رواسانی، شاپور. (۱۳۸۴). **اولین جمهوری شورایی در ایران (نهضت جنگل)**. تهران: نشر چاپخش.
- سپهر، مورخالدوله. (۱۳۶۲). **ایران در جنگ بزرگ**. تهران: نشر ادیب.
- شاکری، خسرو. (۱۳۸۶). **میلاد زخم جنبش جنگل و جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران**. ترجمه شهریار خواجهان. تهران: نشر اختران.
- شمیم، علی اصغر. (۱۳۸۷). **ایران در دوره سلطنت قاجار**. تهران: نشر زریاب.
- صبوری دیلمی، محمدحسن. (۱۳۵۸). **تکاهی از درون به انقلاب مسلحانه جنگل**. تهران: چاپ مظاهری.
- عاقلی، باقر. (۱۳۶۹). **روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب**. تهران: نشر گفتار.
- عظیمی، رقیه سادات. (۱۳۷۷). **نهضت جنگل به روایت اسناد وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران**. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

- فخرایی، ابراهیم. (۱۳۵۷). **سردار جنگل**. تهران: نشر جاویدان.
- کاتم، ریچارد. (۱۳۸۵). **ناسیونالیسم در ایران**. ترجمه احمد تدین. تهران: انتشارات کویر.
- کشاورز، فتحالله. (۱۳۷۱). **نهضت جنگل و هیئت اتحاد اسلام (اسناد محرمانه و گزارش‌ها)**. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- گنیتس، ولادیمیر. (۱۳۸۵). **بلشویک‌ها در گیلان**. ترجمه جعفر مهرداد. رشت: بازشناسی نهضت جنگل.
- گیلک، محمدعلی. (۱۳۷۱). **تاریخ انقلاب جنگل**. رشت: نشر گیلکان.
- لنزوسکی، جورج. (۱۳۵۶). **رقابت روسیه و غرب در ایران**. ترجمه اسماعیل راین. تهران: نشر جاویدان.
- مابری، جیمز. (۱۳۶۹). **عملیات در ایران (جنگ جهانی اول ۱۹۱۸ - ۱۹۱۴)**. ترجمه کاوه بیات. تهران: نشر رسا.
- مدنی، میراحمد. (۱۳۷۷). **جنبش جنگل و میرزا کوچک‌خان (خاطرات میراحمد مدنی، عضو شورای اتحاد اسلام و مدیر روزنامه پرورش)**. به کوشش سیدمحمدتقی میرابوالقاسمی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۷۱). **شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه**. ج ۳. تهران: انتشارات زوار.
- مکی، حسین. (۱۳۵۸). **تاریخ بیست ساله ایران**. ج ۱. تهران: نشر امیرکبیر.
- (۱۳۵۷). **زندگانی سیاسی احمدشاه**. تهران: نشر امیرکبیر.
- منشورگرگانی، محمدعلی. (۱۳۶۸). **رقابت شوروی و انگلیس در ایران**. مقدمه و توضیحات محمد رفیعی مهرآبادی. تهران: مؤسسه مطبوعات عطائی.
- میرابوالقاسمی، محمدتقی. (۱۳۷۸). **دکتر حشمت و اندیشه اتحاد اسلام در جنبش جنگل**. تهران: نشر ندا.
- میرزاصالح، غلامحسین. (۱۳۶۹). **جنبش میرزا کوچک‌خان بنا بر گزارش‌های سفارت انگلیس در تهران**. تهران: نشر تاریخ ایران.
- نعمت‌یلیمائی، امیر. (۱۳۸۹). **مجموعه روزنامه‌های جنگل (نشریه نهضت جنگل)**. مشهد: نشر امید مهر.
- نوزاد، فریدون. (۱۳۸۵). **نقش احسان‌اله‌خان در نهضت جنگل**. رشت: نشر کتیبه گیل.
- هدایتی خوشکلام، منوچهر. (۱۳۸۳). **یادداشت‌های احمد کسمانی از نهضت جنگل**. رشت: نشر کتیبه گیل.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا. (۱۳۸۸). **روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم**. تهران: نشر امیرکبیر.
- یقیکیان، گریگور. (۱۳۶۳). **شوروی و جنبش جنگل**. به کوشش برزویه دهگان. تهران: نشر نوین.